

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاده
شهر اسن – المان
۲۰۰۸/۱۰/۳۰

ملا پرستان

ای که می گوئی ، صدای مردم بیچاره ام
انعکاس ناله و ، فریاد هر آواره ام

محرم راز و انیس و مؤنس و غمخواره ام
داروی درد دل افسرده و ، صدپاره ام

نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی

خوب میدانی چه میگویم (شکیب) محترم
از غم و اندوه و از جور و جفا و از ستم

از چه و از که وهم کی ، از کجا ای محتشم
لیک آگه نیستی از قهر و بیداد قلم

نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی

گر صدای مردمی ، بر حنجرم خنجر چرا ؟
پشتیبانی از ملاگک های ، ایستگر چرا ؟

موتر افشاگری هارا ، کنی پنجر چرا ؟
ظاهراً گویی ، صدای مردم مدبر چرا ؟

نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی

قامت سرو روان هموطن ، از چه خمید
ببر و گفتار و پلنگ و گرگ ، آهو را درید

وقت زاغ ، عندلیب و بلبل مارا ، خرید
حیف میگوئی که چوپانم به سروقتش رسید

نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی

منع شد شعر پلخمان سیاست ، بهر چه
گو زمن بر آن ملاگک این شراست ، بهر چه

چون نخوانده امر آمد از ریاست ، بهر چه
از تظاهر میدهی بر خود قداست ، بهر چه

نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی

گاه خوشحال و گهی هستم جگر خون شما
گاه یار و مؤنس و دلدار و مفتون شما

گاه مسکینی که ، هم مدیون و ممنون شما
ور تو گوئی ! بنده هم لیلی و مجنون شما

نیستی و نیستی ، والله وبالله نیستی

بعد ازین ، راه جدیدی را نمایم اختیار
خامه جولانگر طبعم همیشه بقرار

زانکه نتوان کرد بر ملا پرستان اعتبار
این زمانه لایق اشعار ناب و آبدار

نیستی و نیستی ، والله و بالله نیستی

احتیاطی « نعمتا » از تندی طبع روان حکم تکفیرت مبدا ، صادر از این ناکسان
زانکه از دین باز کرده هریکی برخود دکان چون موافق نیستی هرگز تو با نابخردان
نیستی و نیستی ، والله و بالله نیستی